

نگاهی به کتاب «خاتون و قوماندان» در آستانه رونمایی از تقریظ رهبری

# وقتی عشق روایت می‌سازد



عاطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

«علیرضاقت سراغ بچه‌ها. نشست روی زمین و فاطمه را بوسید. طوبی را بوسید. موهایشان را بوسید. اولین بار بود که بچه‌ها سر کاسه آب و سینی قرآن غوغا نمی‌کردند. علیرضا کنار حمیدرضا دوزانو شد. موهایش را نوازش کرد. زل زده بود به چهره معصومانه غرق خوابش. لب‌هایش می‌جنبید. گفتم حتما دارد برای پسرش دعا می‌خواند. ماندنش کنار بالش حمیدرضا طولانی شد. صدای بوق ماشین آمد. ساعت پنج شده بود. چادر را سر کردم. هر دو پاورچین از پله‌ها پایین رفتیم. دستش را از دستم بیرون کشید. می‌خواستیم نگاهش دارم. چشمم در چشم شدیم. نه صحبتی، نه وداعی، نه حتی سفارشی که «مواظب خودت باش»، «تو هم مواظب خودت و بچه‌ها باش»، «مرد تو منم من داشت می‌رفت.»



روایت کتاب همین قدر دوست‌داشتنی و شیرین است. کتاب «خاتون و قوماندان» روایتی است عاشقانه و زیبا از زندگی شهید مدافع حرم، ابوحماد لشکر فاطمیون، علیرضا توسلی، از زبان همسرش. شهید علیرضا توسلی (ابوحماد) در سال ۱۳۶۳ به ایران آمد و در حوزه علمیه شهر اصفهان به کسوت طلبگی روی آورد. بعد از مدتی به قم رفت و یادگیری دروس عالی حوزه را پی گرفت. مدتی به افغانستان رفت و در کنار مجاهدان با گروه طالبان جنگید. باز به ایران بازگشت و در ۱۰ سال آخر عمرش به کارگری ساختمان مشغول بود. با شروع روزهای پرتلاش و دمشق و حلب راهی سوریه شد تا جبهه را در این سرزمین ادامه دهد. او اعتقاد داشت اسلام، بدون مرز است و باید همیشه آماده جهاد بود. این شهید، پایه‌گذار لشکر فاطمیون در ۲۲ اردیبهشت سال ۹۲ بود که هسته اولیه این لشکر با حضور او و ۲۲ نفر از افغانستانی‌ها شکل گرفت.

دوستان ابوحماد، تعریف‌های زیادی از او می‌کنند و به گفته خودشان اگر بخوانند این خاطرات را منتشر کنند، حتما چندین جلد کتاب می‌شود. بلال رزمنده لشکر فاطمیون است و در مورد ابوحماد می‌گوید: «همیشه بعد از هر عملیاتی که انجام می‌شد چند روزی ابوحماد را نمی‌شد به راحتی پیدا کرد، حتما باید دنبالش می‌گشتم. برام جای تعجب بود که آخر کجایم، چه کار می‌کند؟ بعدها که شناختم از حاجی بیشتر شد با به قول معروف خودمانی‌تر شدیم جواب سوالم را پیدا کردم، حاجی همیشه بعد از هر عملیات به عبادت رزمنده‌های مجروحی که در بیمارستان بستری بودند می‌رفت و جویای حالشان می‌شد. این کار تا آخرین روز که رزمنده‌ها در بیمارستان بودند ادامه داشت، کاری که شاید از کمتر فرماندهی سر بزند.»

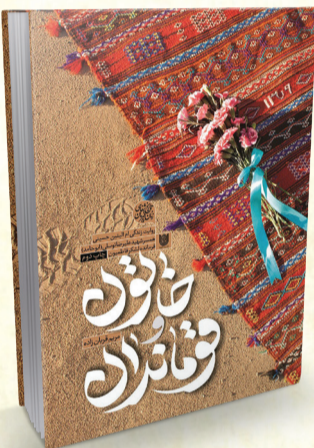
کتاب «خاتون و قوماندان»، به جای اینکه به سراغ دوستان ابوحماد برود، همسرش را انتخاب کرده، کسی که در تمام لحظات در کنار او بوده و روایتش ناب و خواندنی است.

مریم قربان‌زاده، نویسنده این کتاب در گفت‌وگویی که با «تسنیم» داشته است در مورد انتخاب زندگی این شهید و روایتی که همسر شهید داشته است، می‌گوید: «روایت زندگی شهید و رزمندگان از زبان همسران و مادران آنها، در واقع تأکیدی است بر بعد اجتماعی جنگ. این مساله ربطی به نوع جنگ ندارد، هم می‌توان این قضیه را در جنگ تحمیلی جست و دنبال کرد و هم در زندگی رزمندگان و شهدای مدافع حرم و... برداختن به این وقایع و زندگی رزمندگان و شهید از دریچه نگاه زنان، کاری است در جهت ارائه درست تاریخ.

در دهه‌های اخیر آثار متعددی با تمرکز بر روایت از شهامت‌ها، رشادت‌ها و شهادت‌های مردانه منتشر شده که البته باید گفت همین میزان نیز قطره‌ای است از دریا، اما با این حال به نظر می‌رسد که جای روایت‌های زنانه در میان این آثار خالی است. با وجود آنکه زنان نقش تعیین‌کننده‌ای در مواجهه با هر یک از این وقایع داشته‌اند، مانند جنگ تحمیلی یا ماجرای سوریه و... روایت‌هایی که از آنان داریم کافی و کامل نیست. معتقدم قسمت‌های اجتماعی جنگ درباره زنان باید شفاف و روشن، بدون هیچ گونه اضافه‌گویی دیده و روایت شود. زنان در این وقایع یک هویت حماسی و رزمی دارند، اگرچه تفنگ به دست نگرفتند اما در جبهه جنگ بودند. اگر رزمندگان دالگرم به حضور آنها نبودند، نمی‌توانستند اینقدر پرسرلخت در میدان رزم حاضر شوند. تلاش همواره در «خاتون و قوماندان» این بود که این اصالت و هویت را حفظ کنم.

اگر بخواهیم به‌عنوان نمونه بررسی کنیم، باید از جنگ تحمیلی یاد کنیم. جنگی که هشت سال طول کشید و در این مدت، اقشار و افراد مختلفی را درگیر خود کرد. زنان نیز به‌عنوان یک بخش از جامعه ایرانی با این واقعه درگیر شدند. ما با طیف گسترده‌ای از زنان در جریان جنگ تحمیلی مواجه هستیم که هرچند تحصیلات خاصی نداشتند، اما توانستند به بهترین شکل ممکن یک نسل را تربیت کنند. اگر نگاه کلان‌تری به ماجرا داشته باشیم، باید بگوییم که این زنان، قهرمانان جنگ هستند؛ بنابراین باید چگونگی نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری آنها در این برهه تاریخی ثبت شود. جغرافیای جنگ فقط تأییدت‌های جبهه‌نویس، بلکه تا شهرها و روستاهای دورتر کشور نیز کشیده شد. در این جبهه، زنان حرف اول را می‌زدند. آنها ضمن قوت قلب بخشیدن به همسران و فرزندان خود، نقش‌های دیگری را نیز در این مسیر ایفا می‌کردند؛ از اداره یک خانواده گرفته تا بزرگ کردن فرزندان و به دوش کشیدن مسئولیت‌های سنگین در دوران سخت اقتصادی و...»

برخی از صفحات کتاب، یادآور کتاب «چهل نامه کوتاه به همسر» نادر ابراهیمی است و اگر کسی این کتاب را خوانده باشد، با خواندن خاطرات همسر شهید ابوحماد حتما یاد کتاب نادر ابراهیمی می‌افتد: «سلام، صد سلام به نازنین دلبرم و مهربان همسرم و مؤنس تنهاییم. سلامی که از عمق جان یک عاشق بی‌قرار و از رگ رگ جانم حرکت کرده و از نوک قلب شکسته‌ام بر جاده کاغذ سرازیر می‌گردد.



هدیه به پیشگاه کسی که بیش از حد دوستش دارم و بهانه زندگی ام می‌باشد. او که چراغ کاشانه من است... اگر از حالم بپرسی چنین است: تنم از واسطه دوری دلبر بگداخت، جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت. اگر خواهی بدانی که چه می‌کنم چنین است: خیال روی تو در هر طریق همزه ماست، نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست. دعای من در حق شما این چنین است: ... تنتت به ناز طیبیان نیازمند مباد، وجود نازکت آزرده گزند مباد. سلامت همه آفاق در سلامت توست، به هیچ عارضه شخص تو دردمند مباد. و اینکه: حسن تو همیشه در فزون باد، رویت همه ساله لاله‌گون باد. اندر سر ما خیال عشقت، هر روز که باد در فزون باد. هر سرو که در چمن درآید، در خدمت قامت توگون باد. دیگر عرضی نیست، به خداوند می‌سپارم همسرت علیرضا.»

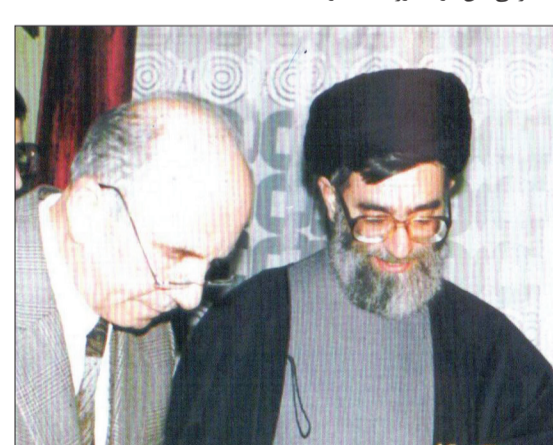
رهبر معظم انقلاب، تقریظی را بر این کتاب نوشته‌اند که قرار است روز جمعه این تقریظ در مشهد رونمایی شود. نویسنده کتاب در مورد این تقریظ می‌گوید: «سمرت و شادمانی ام را نمی‌توانم با دوستانم شریک نشوم. از دفتر حضرت آقا تماس گرفتند و پیام انگیزه‌بخش و شادی آفرین‌شان را به حقیر رساندند؛ حضرت آقا فرمودند سلام ایشان را به شما برسانیم و پیام‌شان را بگوییم: از خواندن کتاب خاتون و قوماندان لذت بردم. چه کار خوبی کردید که این حوادث را ثبت کردید.» شاید پایان‌بندی این گزارش را باید از همسر شهید بگذاریم که در بخشی از کتاب و نامه‌ای که برای همسرش نوشته است، می‌گوید: «روز تولد تذکری است برای انسان؛ تذکری تکان‌دهنده. باشد که هر زمان همانند این روز برایمان بیدارباشی باشد. آری حامد عزیزم. چند ماهی است که خداوند، آنچنان توفیقی داده است که بتوانی توشه از دست رفته چند سال پیش خود را نیز کامل کنی و با کوله‌باری از عمل صالح و ایمان به سبویش روی و راهی که تو در آن گام نهادی، راهی است که مسافتش به سیرت مربوط می‌شود؛ که اگر تو حجاب را از روی این دل برداری، در این راه، در کوتاه‌ترین مدت و در کمترین مسافت به مقصد خواهی رسید. و تو در آنجایی هستی که بسیار چون تو اکنون در آن سوی حجابند و چه عارفانه در این راه رفتند. آن سوی حجاب رفتن را مراحل است که تو اکنون در پایان پیمودن آن مراحل به سر می‌بری و چه زیباست که دعای من در مورد تو و دعای همه درمورد شما مستجاب شود.»

## ماجرای یک عکس دیدنی

روز گذشته عکس کمتر دیده‌شده‌ای از رهبر انقلاب منتشر شد که یادآور حضور ایشان در سفر به یوگوسلاوی بود، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در اسفندماه ۱۳۷۱ و در زمان ریاست جمهوری خود سفری به یوگوسلاوی داشتند.

رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه ۱۴ بهمن ۱۳۷۳ این گونه از آن سفر یاد کرده‌اند: «به یاد می‌آورم که سال‌ها پیش، در زمان ریاست جمهوری خود به یوگوسلاوی رفته بودیم. من ضمن بازدید از آن کشور گفتم: «می‌خواهیم از بوسنی و هرزگوین هم دیدن کنیم.» مقدمات سفر به آنجا مهیا شد و به سارایوو رفتیم. یک روز به خیابان‌های سارایوو رفتیم و مردم که شنیده بودند رئیس جمهور اسلامی آمده است - چون رسانه‌های گروهی یوگوسلاوی که ما مهمان‌شان بودیم، عکس و گزارش و تفصیلات ما را در بلگرد منتشر کرده بودند - گروه گروه جمع شده بودند و زن و مرده، تحت‌تأثیر شوق و روحیه اسلامی، اشک می‌ریختند و کف می‌زدند.»

شرح این سفر در کتاب «غریب در خانه» (از انتشارات پرند) آمده است و نکات جذابی دارد، مخصوصاً بازدید از مسجد و کتابخانه غازی خسروبیگ، در بخشی از این کتاب آمده است: «رئیس جمهور در سارایوو همچنین از مسجد غازی خسروبیگ بازدید کرد. در بدو ورود رئیس جمهور به این مسجد، ایرانیان مقیم با شعارهای «صل علی محمد، یار امام خوش آمد»، مقدم رئیس جمهوری را گرمی داشتند. نماز ظهر و عصر به امامت امام جماعت مسجد برپا شد. درحالی‌که سراسر مسجد مملو از جمعیت بود، آیت‌الله خامنه‌ای به سخنرانی پرداختند. رئیس جمهور در قسمتی از سخنان خود گفت: «امروز اسلام در دنیا به بیداری رسیده است. ما مثل برادران دورافتاده، همدیگر را دیدیم و از این بابت بسیار خوشحال هستیم.»



@khamenei\_history سفر به یوگوسلاوی، اسفند ۱۳۷۱

۱۶۰ میلیون تومان ۱۶۰ میلیون تومان



سقف تسهیلات

۳ ماه ۶ ماه



دوره انتظار

۱۳ درصد ۱۲ درصد



نرخ سود

X۲ X۴

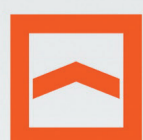


مبلغ سپرده

## انتخاب با شماست

در سپرده سرمایه گذاری تابش

زمان، مبلغ و نحوه دریافت تسهیلات را انتخاب کنید



بانک مسکن bank-maskan.ir ۰۲۱-۶۱۰۸۸